

## Tolerance (part 1)

### تحمل (قسمت 1)

(12/09/2021)

در یکی از سرودهای ساعت نهم ، خطاب به خداوند مصلوب خود ، ما این را استدعاء می کنیم: "تو، ای خداوند، که همه را تحمل می کنی، مرا در ملکوت خود به یاد آور".

این چند کلمه چه معنای عمیقی دارد! در آنها ما دفعات بی شماری را به یاد می آوریم که خداوند تحمل خود را نشان داد. به جای تمرکز بر استقامت او در برابر دشمنان شناخته شده اش در مدتی که روی زمین بود، بیابید صبر آشکار خداوند را نسبت به دوازده شاگردش بررسی کنیم.

این را در نظر بگیرید: عیسی سه سال شب و روز با شاگردان خود بود. او شخصاً به آنها تعلیم داد و آنها شاهد معجزات شگفت انگیز او بودند. علیرغم این نعمت شگفت انگیز ، آنها بازهم چنین ایمان کمی به او نشان دادند (متی 8: 26 را ببینید) ، و حتی بدتر ، وقتی او را دستگیر کردند ، آنها او را رها کردند! شاگردان فرار کردند و از ترس جان خود پنهان شدند. خداوند حتی یک کلمه هم نگفت! نه تنها این، برجسته ترین شاگرد او پطرس وی را انکار کرد! شب قبل ، پطرس گفت: "خداوند ، من آماده ام تا با تو ، هم به زندان و هم به مرگ بروم" (لوقا 22: 33). صبح چه اتفاقی افتاد؟ او که در مقابل یک خدمتکار زن ایستاده بود ، در مورد مسیح گفت: "ای زن ، من او را نمی شناسم" (لوقا 22: 57). خداوند چگونه واکنش نشان داد؟ او اصلاً او را سرزنش یا ملامت نکرد ، بلکه فقط به او نگاه کرد. این نگاه بود که پطرس را در راه توبه قرار داد (به آیه 61 مراجعه کنید). بعداً ، عیسی سه بار از او پرسید که آیا او را دوست دارد یا خیر ، تا با پاسخ های خود به عنوان رسول اعاده شود (به یوحنا 21: 15-18 مراجعه کنید).

من فکر می کنم این چیزها به تنهایی تحمل شگفت انگیزی را آشکار می کند که عیسی به کسانی که علیه او عمل کردند، از جمله کسانی که در جمع او بودند ، نشان می داد. خداوند ما را فرا می خواند تا از نمونه او پیروی کنیم ، همانطور که قدیس پولس نیز می گوید: "متحمل یکدیگر شده و یکدیگر را ببخشید ، هرگاه کسی از دیگری شکایت داشته باشد، همانطور که مسیح شما را بخشید ، شما نیز چنین کنید" (کولسیان 3: 13). همه ضرورت بردباری را برای حفظ آرامش در هر محیطی که ممکن است خودمان را بیابیم درک می کنند. مشکل این است که اغلب به این درک عمل نمی شود. چطور این اتفاق می افتد؟ وقتی شخصی (حتی افراد نزدیک ما ، مانند خانواده یا دوستان) ما را اذیت می کند یا به نوعی ما را آزرده می کند ، ما ارتباط و محبت خود را نسبت به آنان فراموش می کنیم. ما نسبت به آنچه آنها انجام دادند واکنش نشان می دهیم و این واکنش از خفیف تا شدید حتی نفرت متغیر است! خودخواهی ما برانگیخته می شود و افکار تلافی جویانه یا انتقام به ذهن می رسد. افکار زشت مطرح می شود: "فکر می کنی تو کی هستی؟" "فکر می کنی من احمقم؟" "او خواهد دید که چه اتفاقی می افتد!" "من دیگر نمی خواهم او را ببینم!"

این می تواند حتی پس از یک سوء تفاهم ساده اتفاق بیفتد ، جایی که یک کلمه یا عملی که توسط شخصی انجام می شود اشتباه تعبیر شود و در بدترین شکل ممکن دیده شود. نتیجه بیگانگی و عصبانیت است. چه شبها بوده است که برخی از افراد بی خواب مانده اند ، زیرا با چنین احساساتی در برابر دیگران تحلیل رفته اند! این آشفتگی درونی حتی منجر به حمله قلبی و سکته مغزی شده است.

تنها چیزی که می تواند ما را از چنین شرایط وحشتناک و خطرناک نجات دهد ، تحمل است.

برادران و خواهرانم بیایید تنوع ایده ها ، نظرات و آرزوهایی که در بین ما وجود دارد را فراموش نکنیم. اگر خودخواهی ، سرسختی و شخصیت های فردی خود را نیز در نظر بگیریم ، تعجبی ندارد که درگیری های مکرر بین افراد (حتی در خانواده ها) وجود داشته باشد. هنگام بروز چنین مشکلاتی ، تلاش برای ایجاد صلح ، از طریق درک متقابل یا میانجیگری شخص ثالث ضروری است. اما این همیشه ممکن نیست. ممکن است شخص دیگر نخواهد توضیحی دهد یا اصرار داشته باشد که حق با اوست. در مواردی از این قبیل ، تنها چیزی که می تواند باعث ایجاد صلح شود ، تحمل از طرف ما است.

عاقلا نه گفته شده است که تحمل مانند روغن موتور است. بدون این "روغن" ، موتور یا ماشین قادر به کار نیست و بی فایده می شود. تنها در شرایط تحمل است که شرایط ایده آل برای حل سوء تفاهم یا دشمنی ایجاد می شود ، تا هماهنگی در روح بتواند در روابط ما حاکم شود.

فکری وجود دارد که می تواند یک فرد را وسوسه کند: "اگر چنین تحملی از خود نشان دهم ، آن شخص ممکن است فکر کند که من اقدامات غیر موجه او را قبول دارم." مطمئناً اینطور نیست! بی عدالتی هیچ گاه از اشتباه کردن دست بر نمی دارد. تحمل مسیحی، بردباری به نام محبت است. مهم نیست که این شخص چه بدی به من کرده است ، من با محبت عمل خواهم کرد. به این ترتیب ، من از خداوند و خدای خود اطاعت می کنم که به من گفته است که حتی دشمنانم را نیز ببخشم و محبت کنم. من همه چیز را به خدا می سپارم ، زیرا او بهتر از من می داند که چگونه چیزها را طوری ترتیب دهد که طرف مقابل به اشتباه خود پی ببرد.

این موضوع تحمل دارای ابعاد دیگری نیز می باشد که به خواست خدا در موعظه بعدی به آن خواهیم پرداخت.

~ متروپولیتن سوتیریوس از پیسیدیه